

تأثیر واقعه تسخیر لانه جاسوسی آمریکا بر جریان‌های سیاسی داخل کشور

دکتر احمدرضا شاه علی^۱

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۴/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۶/۱۵

چکیده

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی که به حاکمیت استبداد در ایران پایان داد، تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران موجب پایان استیلائی استعمار بر امور کشور شد. این واقعه به دلیل اهمیت و بازتاب‌های فراوان داخلی و خارجی، فعالان سیاسی و احزاب و گروه‌های مختلف را در سراسر کشور مجبور به موضع‌گیری شفاف کرد. پرسش اصلی که در این مقاله به آن پاسخ داده می‌شود، این است که واقعه تسخیر لانه جاسوسی چه تاثیری بر جریان‌های سیاسی داخلی کشور داشت و پیامدهای این رویداد برای آنها چه بود؟

در این راستا، دیدگاه‌های گروه‌ها و احزاب سیاسی مختلف بررسی شده و مشخص می‌گردد که رویداد تسخیر لانه جاسوسی باعث اعلام مواضع واقعی و نگرش کلان افراد و گروه‌ها منسوب به نظام جمهوری اسلامی و پالایش نظام سیاسی کشور شد. نتیجه منطقی این روند، حذف تفکرات چپ و راست غیراسلامی و التقاطی، جوان‌گرایی و کنترل تدریجی پست‌ها و مناصب حساس سیاسی از سوی نیروهای اصیل انقلابی، افزایش اعتماد به نفس و خودباوری آنان و در نهایت تقویت همگرایی و وحدت ملی در جامعه ایران بود. در واقع نیروهای انقلابی پیروی خط امام با تسخیر لانه جاسوسی موجب تصحیح مسیر جمهوری اسلامی شده و از انحراف آن جلوگیری کردند.

واژگان کلیدی: لانه جاسوسی، ایالات متحده آمریکا، انقلاب دوم، امام خمینی، لیبرالیسم.

۱. استادیار علوم سیاسی گروه معارف اسلامی دانشگاه علم و صنعت ایران
Email: shahali@iust.ac.ir

۱. طرح مساله

با سقوط محمدرضا پهلوی، پرونده سلطنت سلسله پهلوی در ایران بسته شد و حاکمیت شاهان مستبد در کشور بعد از گذشت ۲۵۰۰ سال به پایان رسید. اما به ثمر رسیدن مبارزات مردم انقلابی در برابر استبداد به معنای پایان مشکلات نبود، زیرا اگر چه مهم‌ترین مانع داخلی در برابر پیشرفت کشور از سر راه برداشته شده بود، ولی مانع بزرگ خارجی یعنی دخالت‌های استعمارگران پابرجا بود و کشورهایمانند آمریکا و بریتانیا که از پیروزی انقلاب ایران لطمه دیده بودند، به روش‌های مختلف تلاش می‌کردند در برابر حرکت رو به جلوی انقلاب اسلامی مانع تراشی کنند.

در چنین شرایطی و در حالی که عملکرد دولت موقت هم بر نگرانی‌های نیروهای اصیل انقلابی افزوده بود و گروه‌ها و احزاب مختلف سیاسی وابسته به چپ و راست هم هر یک به دنبال مصادره انقلاب به نفع خود و ترویج دیدگاه‌هایشان بودند، تسخیر لانه جاسوسی توسط دانشجویان پیروی خط امام به نقطه عطفی در تاریخ پرفراز و نشیب انقلاب اسلامی مبدل شد و تأثیرات فراوانی در عرصه‌های داخلی و خارجی بر جای نهاد.

با توجه به اهمیت این رویداد و پیامدهای گسترده آن، پرسش اصلی که در این مقاله پژوهشی مطرح می‌شود آن است که واقعه تسخیر لانه جاسوسی چه تاثیری بر جریان‌های سیاسی داخلی کشور داشت و پیامدهای این رویداد برای آنها چه بود؟

برای پاسخ به این پرسش، دیدگاه‌های اشخاص سیاسی مشهور و احزاب فعال در مقطع تسخیر لانه جاسوسی و ماه‌های بعد بررسی شده و به طور دسته‌بندی شده در قالب مواضع گروه‌های مارکسیستی چپ، گروه‌های راست گرا و گروه‌های اسلام‌گرای التقاطی بررسی ارائه می‌شود. سپس با مراجعه به اسناد لانه جاسوسی، نگرش کاخ سفید به شخصیت‌های سیاسی منحرف از خط امام و همین‌طور نهادها و نیروهای اصیل انقلابی بازگو می‌شود.

برای نگارش این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، اسناد منتشر شده سفارت آمریکا، محتوای نشریات و روزنامه‌های کثیرالانتشار سال‌های ۵۸ و ۵۹ و دیگر کتب و اسناد مرتبط مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

۲. تسخیر لانه جاسوسی و واکنش امام خمینی (ره)

در ساعت ۱۰/۳۰ دقیقه بامداد روز ۱۳ آبان سال ۵۸، حدود ۵۰ نفر از دانشجویان عضو انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌های تهران، شریف و پلی تکنیک از درب آهنی سفارت آمریکا بالا می‌روند و در عرض چند ساعت و براساس نقشه‌ای که از قبل کشیده بودند، این محل را تسخیر کرده و اسناد و مدارک مهمی را در مورد دخالت آمریکا در کشور که با هدف ضربه زدن به نظام نوپای جمهوری اسلامی صورت می‌گرفت، به چنگ می‌آورند. امام خمینی (ره) به فاصله یک روز، پس از تسخیر لانه جاسوسی با تأیید این عمل انقلابی، آمریکا را شیطان بزرگ نامیده و به سفارت آمریکا لقب لانه جاسوسی می‌دهند.

تأیید این اقدام توسط امام خمینی (ره)، گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی را هم مجبور به همراهی ظاهری یا حداقل سکوت می‌کند. امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید:

"امروز خیانت‌های زیر زمینی و توطئه‌های زیر زمینی ... در همین سفارت خانه‌ها ... دارد درست می‌شود که مهمش و عمده‌اش مال شیطان بزرگ است که آمریکا باشد و نمی‌شود ... آنها توطئه ... بکنند، یک وقت ما بفهمیم که از بین رفت یک مملکتی ... و شاه خزائن ما را برده است و در بانک‌ها مقادیر بسیار زیادی که ما حالا شاید بعضی از آنها را مطلع باشیم در بانک‌ها سپرده است و همه آنها مال ملت است. تا این [پول‌ها] را بر نگرداند و اگر این [شاه] را برگرداند، ما طور دیگری با آنها [آمریکایی‌ها] رفتار می‌کنیم.

اینها خیال نکنند که همین طور نشستیم، گوش می‌کنیم که اینها هر غلطی می‌خواهند بکنند، نه خیر این طور نیست. مسأله، مسأله انقلاب است. یک انقلاب بزرگ‌تر از انقلاب اول خواهد شد. باید سر جای خودشان بنشینند و این خائن [شاه] را او [آمریکا] برگرداند و آن بختیار خائن را هم برگردانند... آن مرکزی که جوان‌های ما رفتند، آن طور که اطلاع دادند، مرکز جاسوسی و مرکز توطئه بوده است. آمریکا توقع دارد که شاه را ببرد به آنجا مشغول توطئه کند. پایگاهی هم اینجا برای توطئه درست کند و جوان‌های ما بنشینند و تماشا کنند" (موسوی خمینی ۱۳۷۰، ج ۱۰: ۱۴۰).

با توجه به حمایت قاطع امام از این اقدام، اکثر نیروهای سیاسی هم مجبور می‌شوند برای تداوم حیات خود حداقل در کوتاه مدت، در مورد تسخیر لانه جاسوسی موضع‌گیری مثبتی به عمل آورند. اما در هفته‌ها و ماه‌های بعد از واقعه تسخیر

لانه جاسوسی و با توجه به مشخص شدن تأثیرات عمیق این واقعه، اشخاص و گروه‌ها در موضع‌گیری‌ها، سخنرانی‌ها و صدور بیانیه‌های خود کم‌کم ملاحظه‌کاری را کنار گذاشته و نظرات خود را به طور شفاف بازگو می‌کنند. این امر از یکسو به حذف نیروهای غیر انقلابی و ضد انقلابی رخنه کرده به دستگاه‌های انقلابی می‌انجامد و از سوی دیگر موجب تقویت و قدرت گرفتن افراد و جناح‌ها و گروه‌های انقلابی و در یک کلام خط امام می‌شود.

۳. حذف افراد و گروه‌های غیر معتقد به نظام و امام(ره)

با تسخیر لانه جاسوسی و آغاز موضع‌گیری‌ها و اقدامات فعالان گروه‌های سیاسی و مسئولان دولت موقت، زمینه برای حذف تدریجی افراد و گروه‌های غیرمعتقد به مبانی انقلاب و خط امام(ره) فراهم آمد و دولت موقت به واسطه نقش مستقیمی که در اداره کشور داشت قبل از دیگر گروه‌های سیاسی چپ و راست التقاطی مجبور به واکنش صریح و استعفا شد.

۳-۱. دولت موقت

یکی از پیامدهای سریع تسخیر لانه جاسوسی، استعفای دولت موقت بود که شخص مهندس بازرگان و اکثر وزرای آن اعتقادی به منش و روش انقلابی حضرت امام(ره) نداشتند.

دولت مهندس بازرگان که به علت اهمال در برابر ضد انقلاب در کردستان، ترکمن صحرا، خوزستان و دیگر نقاط کشور با انتقاد شدید مواجه بود و از سوی دیگر مشارکت سیاسی مردم برای حفظ انقلاب در قالب حضور در کمیته‌های انقلاب، جهاد سازندگی، دادگاه‌های انقلاب و... را چوب لای چرخ دولت گذاشتن عنوان می‌کرد، در تابستان سال ۵۸ و زمانی که آمریکایی‌ها به بهانه مداوا و معالجه شاه به وی پناه دادند هم فعالیت دیپلماتیک موثری انجام نداد و با درخواست تضمین آمریکا مبنی بر عدم فعالیت سیاسی شاه و همسرش علیه ایران در خاک آمریکا و معاینه شاه و بررسی اسناد پزشکی او توسط دو پزشک ایرانی تلویحاً حضور وی را در ایالات متحده می‌پذیرد (یزدان پرست ۱۳۸۹: ۱۳۸).

امام خمینی در ۷ آبان ۱۳۵۸ به قراردادهای استعماری بین ایران و آمریکا به شدت اعتراض کردند، اما دولت موقت، بدون توجه به این اعتراض، در پی بهبود رابطه با آمریکا بود و بیشتر واهمه خود را از خطر شوروی ابراز می‌داشت. حرکات سازش

کارانه دولت موقت تا به آنجا پیش رفت که مهندس بازرگان (نخست وزیر)، ابراهیم یزدی (وزیر خارجه دولت موقت) و هیأت همراه در ۱۱ آبان ۱۳۵۸، در جشن استقلال الجزایر با برژینسکی - مشاور امنیت ملی کاخ سفید - ملاقات کرده و به مدت یک ساعت و نیم با او مذاکره کردند. برژینسکی فردی بود که در زمان وقوع انقلاب اسلامی برخلاف سایروس ونس (وزیر خارجه وقت آمریکا)، خواستار سرکوب نظامی انقلاب و طرفدار کودتای نظامی برای پیش‌گیری از انقلاب ایران بود. جالب آنکه این ملاقات به گفته برژینسکی نه به تقاضای او بلکه به تقاضای بازرگان صورت گرفت (برژینسکی ۱۳۶۲: ۱۷۲).

دولت موقت، در ۱۴ آبان ۱۳۵۸، یعنی یک روز پس از اشغال سفارت آمریکا، استعفا داد و امام نیز در ۱۵ آبان این استعفا را قبول کردند. مشخص بود که اعضای نهضت آزادی و ملی‌گرایان این اقدامات را که خارج از قاعده و قانون تلقی می‌کردند، نمی‌پذیرفتند و آن را مداخله در امور دولت تلقی می‌کردند. بازرگان خود در این مورد می‌گوید:

"دولت موقت که از نظر مسئولیت‌آداری و سیاسی مملکت و حفظ حقوق نمایندگان و اتباع خارجی، طبق تعهدات بین‌المللی، نمی‌توانست مخالف این عمل (تصرف سفارت آمریکا) نباشد، چون قبلاً تصمیم به استعفا گرفته بود، هیچ‌گونه اعلامیه و اقدامی در این زمینه ابراز نکرد" (بازرگان ۱۳۶۳: ۹۴).

وی در موضع‌گیری دیگری درباره گروگان‌گیری می‌گوید:

"این عمل بسیار زشت و خلافی است که این دانشجویان انجام می‌دهند و همه با این عمل مخالف هستند و عمل آنها ضد انقلاب، اسلام، امام و همه چیز است. افشاگری‌های قبلی و حال و آینده دانشجویان مقداری از آن دروغ است" (نهضت زنان مسلمان ۱۳۶۲: ۲۹).

مهندس بازرگان، در مواردی، از تعبیری بسیار تند برضد دانشجویان استفاده کرد و از جمله یک بار خطاب به آنان گفت: "اسم خودشان را می‌گذارند خط امام. خط شیطانند... اینهایی که می‌گویند ما با آمریکا راه کج رفتیم و راه سازش رفتیم، اینها ضد انقلابند. مأمور همان شوروی و آمریکا هستند که می‌خواهند اختلاف بیندازند" (روزنامه انقلاب اسلامی، ۵۸/۱۲/۲۰).

این اظهارات در حالی صورت می‌گرفت که امام تنها یک روز پس از تسخیر لانه جاسوسی قاطعانه از اقدام دانشجویان پشتیبانی کردند. از سوی دیگر، دکتر یزدی

(وزیر امور خارجه دولت موقت)، در روز بعد از حادثه، طی مصاحبه مطبوعاتی می‌گوید: "دولت جمهوری اسلامی، موظف به حفظ مال و جان اتباع خارجی است ... به عنوان دولت از وقوع چنین حادثه‌ای ابراز تأسف می‌کنیم" (کیهان، ۵۸/۸/۱۵).

البته دکتر یزدی با زیرکی و با توجه به حمایت عموم مردم و حضرت امام از جریان تسخیر لانه جاسوسی، سعی کرد خود را چندان در مقابل این جریان قرار ندهد و چنین اقدامی را در راستای حمایت از دولت خواند و گفت: "چون آمریکایی‌ها به پاسخ دولت درباره استرداد شاه پاسخ مثبت نداده‌اند، دانشجویان اقدام به اشغال سفارت کردند."

وی حتی از عموم گله کرد که: "چرا وقتی شاه به آمریکا رفت، مردم اعتراض و تظاهرات نکردند؟" (کیهان، ۵۸/۸/۱۵)

ولی شکی نبود که هدف وی از چنین اظهاراتی، مصادره به مطلوب کردن این اقدام انقلابی و محدود ساختن اهداف عظیم آن، به اعتراض به حضور شاه در آمریکا بود، حال آنکه اعتراض به جنایات آمریکا در ایران و افشای ماهیت وابستگی به آمریکا، اهداف مهم‌تری بود که مورد توجه آقای دکتر یزدی قرار نداشت. جالب آنکه آقای دکتر یزدی، سال‌ها بعد، نظرات واقعی خود را در مورد این واقعه - که سال‌ها آن را کتمان می‌کرد - بیان نمود. وی ۲۳ سال پس از این واقعه طی مصاحبه‌ای گفت: "یکی از اهداف گروگان‌گیری در ایران، استقرار هدف‌های سیاسی در بازی قدرت در داخل ایران بوده است، برای اینکه دولت موقت را ساقط کنند و در بازی سیاسی به نفع استقرار و سلطه یک گروه استفاده کنند... کسانی که این حادثه را به وجود آوردند، به بی‌حاصلی کار خود پی‌برده‌اند. آن زمان این افراد جوان بودند و پیچیدگی‌های سیاسی را نمی‌دانستند و حالا که تجربه و علم پیدا کرده‌اند، بر اثر تجربه پی‌برده‌اند، کاری که کردند خلاف بوده و اکنون آن را نقد می‌کنند" (روزنامه مردم سالاری، ۸۱/۸/۱۲).

شاید بتوان بخش اول سخنان دکتر یزدی را تا حدی درست دانست، زیرا با توصیفی که از عملکرد دولت موقت ارائه شد، حذف آنان از قدرت در ایران موجب تداوم و احیای انقلاب شد؛ اما در مورد بی‌حاصلی اشغال سفارت قطعاً نمی‌توان با ایشان موافقت کرد، زیرا شکست هیمنه آمریکا در ایران و جهان، افشای اسناد سفارت، تداوم جریان انقلاب و بسیج مجدد مردم برای دفاع از دستاوردهای آن، حاکمیت نیروهای انقلابی و بسیاری مسایل دیگر - که به جای خود مورد بحث قرار می‌گیرد - از مهمترین دستاوردهای

تسخیر لانه جاسوسی بوده است.

اما دومین دستاورد مهم پس از حذف دولت موقت، افشای مواضع گروه‌ها و احزاب سیاسی مختلفی بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با بهره‌گیری از فضای باز به وجود آمده در جامعه مشغول فعالیت شده بودند و اعتقادی به امام و ارزش‌های انقلابی نداشتند. احزاب و گروه‌های سیاسی را که در مقطع تسخیر لانه جاسوسی در کشور مشغول فعالیت بودند، به طور کلی می‌توان به سه دسته مهم تقسیم کرد:

گروه‌های مارکسیستی چپ، گروه‌های راست گرا و گروه‌های اسلام‌نمای التقاطی که اگر چه در ظاهر به چپ و راست وابسته نبودند، اما تلقی انحرافی آنها از اسلام مشکل‌آفرین محسوب می‌شد. در ادامه موضع‌گیری‌های این گروه‌ها را به صورت مختصر مرور می‌کنیم.

۲-۳. گروه‌های مارکسیستی چپ

در میان گروه‌های مارکسیستی چپ، به بررسی مواضع دو گروه چریک‌های فدایی خلق و سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر می‌پردازیم که فعالیت و موضع‌گیری‌های گسترده و مشخصی در ارتباط با واقعه تسخیر لانه جاسوسی داشتند.

۳-۲-۱. چریک‌های فدایی خلق

چریک‌های فدایی خلق از جمله گروه‌های چپ فعال شده در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بودند که خود را سردمدار مبارزه با امپریالیسم می‌دانستند و همیشه عنوان می‌کردند نیروهای مسلمان و ارزشی باید راه و رسم ضد آمریکایی بودن را از آنها بیاموزند. پس از اشغال لانه جاسوسی این گروه که در موضع انفعالی قرار گرفته بودند، از تأیید تسخیر لانه که به معنای تأیید نیروهای ارزشی و طرفدار امام (ره) بود، خودداری کردند. اما سخنرانی امام خمینی (ره) در ۱۶ آبان که در آن به صراحت، به موضع‌گیری نکردن چریک‌های فدایی اشاره شده بود، بر سردرگمی و بن بست آنان افزود. ایشان در این سخنرانی فرمودند:

"... حالا هم که این جوان‌ها رفتند آنجا را گرفتند، دیدند که مرکز توطئه بوده آنجا، به گوش من نخورد که از این فداییان خلق یک پشتیبانی از اینها شده باشد، از سایر گروه‌ها به گوشم خورد، حالا شاید الان من نشنیده باشم و لکن شاید شماها شنیده باشید، به گوش من نخورد..." (کیهان، ۵۸/۸/۱۷).

در نهایت این گروه که در بن بست گرفتار شده بود با ده روز تأخیر و طی اطلاعیه‌ای خواستار یک راهپیمایی ضد امپریالیستی به طرف لانه‌جاسوسی شد و در کنار اعتراف ضمنی به عقب ماندگی خود در این مرحله از مبارزه پرشکوه مردم، ملتسمانه از توده‌ها خواست تا آنان را در صف خود بپذیرند:

"... اینک که توده‌ها بدون هیچ‌گونه سازشکاری، خواهان قطع کامل نفوذ امپریالیسم در میهن ما می‌باشند، ضمن شرکت هرچه گسترده‌تر در مبارزه آنان، بر توان جنبش ضد امپریالیستی خلق‌های مان بیفزاییم و پیوند خویش را با توده‌های میهن‌مان، در برابر دشمن اصلی خلق‌های ایران، امپریالیسم جنایتکار تحکیم بخشیم..." (کیهان، ۵۸/۸/۲۳).

چریک‌های فدایی در هفته‌های بعد به سبک خود شروع به افشاگری کردند و جداولی خیالی از شبکه‌های نفوذی آمریکا در ایران را مطرح کردند و در تاریخ ۱۳۵۸/۱۰/۸ هم راهپیمایی دیگری به سمت لانه‌جاسوسی انجام دادند. اما دانشجویان پیرو خط امام، با صدور اطلاعیه‌ای ضربه سختی به این گروه وارد کردند و از آنان برائت جستند:

"... گروه‌هایی که امروز به عنوان پشتیبانی از ما اعلام راهپیمایی کرده‌اند و به این عنوان قصد دارند در مقابل لانه‌جاسوسی اجتماع نمایند، مورد تأیید ما نیستند، که به علت موضع‌گیری‌های غلط در برابر ملت و در برابر جمهوری اسلامی ایران، دشمن اسلام و انقلاب می‌باشند. اینان بدانند مادامی که این ماهیت فریبکارانه را دارند و علیه خلق توطئه می‌کنند، هر چند که چهره‌ای به حمایت از خلق را نمایش می‌دهند، باید سر جای خود بنشینند که ما را به یاری و پشتیبانی آنان نیازی نیست..." (بررسی مستندی از مواضع گروه‌ها در قبال انقلاب اسلامی، ۱۳۶۰: ۱۱۱).

در ماه‌های بعد محکوم کردن کل شورای انقلاب و مجلس تازه تأسیس شورای اسلامی به سازشکاری با آمریکا و امپریالیسم (درحالی که تنها بخشی از اعضای شورای انقلاب و نمایندگان مجلس حامی انفعال در برابر غرب بودند) در دستور کار این گروه قرار گرفت. به عنوان نمونه با شروع مذاکرات مجلس در مورد گروگان‌ها، چریک‌های فدایی فرصت یافتند تا به ضربه‌های وارد شده از سوی دانشجویان و مردم پاسخ دهند. اینان تلاش کردند این تحلیل را مطرح کنند که جمهوری اسلامی سرانجام با امپریالیسم آمریکا سازش کرد و تسلیم توطئه آنها شد و حتی حضرت امام خمینی (ره) را در کنار لیبرال‌ها قرار دادند و با وجود سوابق امام در ضدیت با آمریکا که به گوشه‌هایی از آن اشاره شد، چنین می‌نویسند:

"... حاکمیت در کل - اعم از لیبرال‌هایی نظیر بازرگانان، امیر انتظام، قطب‌زاده و رهبران حزب جمهوری اسلامی که در شورای انقلاب بودند، نظیر بهشتی و رفسنجانی و حتی آیت‌الله خمینی - با ادامه روابط با آمریکا به نحوی که در جریان بود، موافق بوده و هستند ... " (هفته نامه کار، شماره ۸۰).

در نهایت و به دنبال آزادی گروگان‌ها که به دنبال آزاد سازی بخشی از دارایی‌های مسدودی و تحقیر آمریکا صورت گرفت، چریک‌های فدایی باز هم برای متهم ساختن جمهوری اسلامی تلاش کردند و اقدامات مسئولانه شهید رجایی و هیأت دولت در این مورد را زیر سؤال بردند:

"... طرح شتاب‌زده آزادی گروگان‌ها در مجلس، بلافاصله پس از جنگ ایران و عراق به عنوان چراغ سبز امپریالیسم آمریکا، سفر بی‌مقدمه و شرفیابی رجایی به حضور والدهایم به قصد ملاقات‌های پشت پرده در آمریکا و سراسیمگی مجلس و دولت جمهوری اسلامی در همکاری برای انتخاب مجدد کارتر به ریاست جمهوری آمریکا و تسلیم شدن‌های مکرر و مستمر دولت در برابر دستورالعمل‌ها و التیماتوم کاخ سفید تماماً"، حکایتی تاریخی هستند از سیاست سازشکارانه جمهوری اسلامی برای جلب مراحم و عنایات امپریالیسم آمریکا ... " (هفته نامه کار، شماره ۱۰۰)

این تحلیل‌های غلط و بی‌پایه در شرایطی برای ملتهب کردن فضای جامعه و زیر سوال بردن دستاوردهای تسخیر لانه جاسوسی منتشر می‌شد که دولت شهید رجایی در شرایط دشوار جنگی و در حالی که با کارشکنی‌های بنی‌صدر مواجه بود، تمام تلاش خود را برای اداره کشور انجام می‌داد و نمایندگان مجلس هم با تعویق مکرر طرح مساله گروگان‌ها در صحن علنی و وقت کشی، در نهایت جیمی کارتر رییس جمهور وقت آمریکا را در برابر افکار عمومی مردم ایالات متحده، ناتوان از حل مساله گروگان‌ها نشان داده و مانع از انتخاب مجدد او به سمت ریاست جمهوری آمریکا شدند. امری که همیلتون جردن رییس ستاد انتخاباتی کارتر در انتخابات سال ۱۹۸۰ در کتاب خاطرات خود بر آن صحنه گذاشته است: "برای من روشن بود که کلید انتخابات در دست کسان دیگر در آن سوی دنیا است که تصمیم و عملشان تا آخرین لحظه قابل پیش بینی نیست.... کارتر در هواپیما به من گفت: عجیب است که سرنوشت انتخابات ریاست جمهوری کشور بزرگ ما نه در شیکاگو یا نیویورک بلکه در تهران تعیین می‌شود" (جردن ۱۳۶۲: ۱۸۲-۱۸۳).

۳-۲-۲. سازمان پیکار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر که یک سازمان چپ رادیکال بود و خود را در نبرد بی‌امان با جمهوری اسلامی به منظور جایگزینی دیکتاتوری پرولتاریا یا طبقه کارگر می‌دانست، در بسیاری از موارد از جمله اشغال جاسوس خانه آمریکا، موضعی مشابه با چریک‌های فدایی خلق اتخاذ کرد، ولی این گروه گاهی آن چنان بر تحلیل‌های یک سویه و غلط خود پافشاری می‌کرد که همگان را به حیرت می‌انداخت و هرگز از تاکتیکی که گاه چریک‌ها برای عقب نماندن از مردم و همسو شدن با آنان استفاده می‌کردند، بهره نبرد و دائماً بر مواضع خود اصرار می‌کرد.

تحلیل بنیادینی که این سازمان بر آن پای می‌فشرد چنین بود که نظام جمهوری اسلامی به دنبال مبارزه با امپریالیسم نیست و فقط نیروهای چپ قادر به اجرای این تعهد تاریخی هستند:

"... بایستی به زحمتکشان توضیح دهیم که هیأت حاکمه فعلی، علی‌رغم هماهنگ کردن خود با بخش ناچیزی از خواست آنها، نه می‌تواند و نه می‌خواهد به طور جدی بر علیه امپریالیسم مبارزه کند ... به این ترتیب است که از هرگونه خوش باوری زحمتکشان نسبت به اینکه جز خود آنها کس دیگری می‌تواند تا به آخر، علیه امپریالیسم مبارزه کند، مانع خواهیم شد ..." (هفته نامه پیکار، شماره ۳۱).

سازمان پیکار، در دیگر مطالبی که در نشریه خود به چاپ می‌رساند، مانند سازمان فداییان خلق بر پیوند نظام جمهوری اسلامی با آمریکا و ناتوانی آن برای پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی تأکید می‌کرد:

"... این رژیم قادر نیست علی‌رغم وحدت کلمه ادعایی خود، تضادهای درونی جناح‌های مختلف هیأت حاکمه را تخفیف داده و در مقابل فشار توده‌ها سد محکمی به وجود آورد و هرگز قادر نخواهد بود که حاکمیت ضد خلقی و ارتجاعی خویش را بر توده‌ها تثبیت نماید. هیأت حاکمه‌ای که مجبور است برای بقای حاکمیت خود به احیای سیستم سرمایه‌داری وابسته پردازد، اینک می‌کوشد تا برای تأمین منافع دراز مدت خود و با توجه به مضمون عمیق ضد امپریالیستی جنبش دموکراتیک، توده‌ها را بر ضد امپریالیسم آمریکا که شاه خائن را پناه داده، بشوراند تا شاید خود را و سیستم سرمایه‌داری وابسته را از دست بحرانی که می‌رود تمام دشمنان انقلاب را در خود بسوزاند رها کند ..." (هفته نامه پیکار، شماره ۳۴).

این گروه وقتی با حمله نظامی آمریکا به طبرس مواجه شد، مجبور شد سکوت اختیار کند؛ زیرا این حمله تمامی ادعاهای آنها را زیر سؤال می‌برد و ثابت می‌کرد جمهوری اسلامی نه فقط به امپریالیسم وابستگی ندارد، بلکه دشمن درجه یک آن محسوب می‌شود. اما به دنبال بررسی شرایط آزاد سازی گروگان‌ها در مجلس، این گروه مدعی سازشکاری نظام با آمریکا شد. ادعایی که حوادث سال‌های بعد و به ویژه، حمله عراق به ایران با چراغ سبز آمریکا پوچی آن را نشان داد. به هر حال، تحلیل‌های این گروه پس از گذشت ربع قرن، چنان بی‌پایگی خود را نشان می‌دهد که فقط نقل آنها، بدون هیچ شرحی کافی است و خواننده می‌تواند برداشت مناسبی از آن داشته باشد:

"... اهدافی که جناح خرده بورژوازی مرفه سنتی از این گروگان‌گیری داشته، منحرف کردن مبارزه طبقاتی توده‌ها، سوار شدن بر توهم توده‌ها برای استثمار زحمتکشان و آمادگی بیشتر برای سرکوب آنها و انقلابیون، مبارزه ضد امپریالیستی را تنها در حد شعار و دشنام قبول داشتن و به این ترتیب حفظ سرمایه‌داری وابسته از گزند مبارزه زحمتکشان و نیز قدرت یافتن بیشتر در حکومت، تضعیف جناح رقیب، کوشش برای آزادی گروگان‌ها به خاطر گرفتن سلاح‌های نظامی از امپریالیسم و نیز تقویت کارتر در انتخابات، ماهیت مبارزه ضد امپریالیستی رژیم را هر چه عریان‌تر نشان می‌دهد... واقعه سفارت که خود بیانگر تضادهای دو جناح از هیأت حاکمه از یکسو و تضاد بخش خرده بورژوازی هیأت حاکمه با امپریالیسم آمریکا بود، به مثابه تند پیچی بود که نه تنها توده‌ها، بلکه بسیاری از نیروهای کمونیستی را نیز غافلگیر کرد و آنها را به انحراف کامل از مارکسیسم و یا لغزش از آن دچار نمود... آزادی گروگان‌های آمریکایی، برخلاف آنچه رژیم ادعا دارد، نه فقط پایان، بلکه نقطه آغاز روابط و به مثابه چراغ سبزی است که ایران به عنوان حسن نیت از خود نشان می‌دهد... " (هفته نامه پیکار، شماره ۷۹).

این گروه حتی واقعیت‌ها را نادیده گرفت و گستاخانه حضرت امام خمینی (ره) را که عمر شریف خود را بر سر مبارزه با آمریکا صرف نموده بودند، به فریبکاری متهم کرد و نوشت:

" آیت الله خمینی برای آنکه توده‌ها نفهمند رژیم یک سال آنها را فریب داده ... ادعا می‌کند که توسط جمهوری اسلامی آن بت بزرگی که برای ملت‌ها تراشیده بودند، شکسته شد ... کمونیست‌ها موظفند به توده‌ها نشان دهند که زیر سلطه سرمایه‌داری وابسته، از این مبارزه ضد امپریالیستی نصیبی نبرده‌اند و در عوض، رژیم کوشیده است

با استفاده از این جریان، پایه‌های ستم طبقاتی را بیشتر تحکیم بخشید... " (هفته نامه پیکار، شماره ۸۰).

طی ماه‌های بعد، با تداوم موضع گیری‌های خصمانه سازمان پیکار بر علیه انقلاب اسلامی و توطئه‌های آن در کشور تنفر مردم از آنان افزایش یافت و به دلیل عقب ماندن از جریان زنده انقلاب، این گروه دچار مرگ طبیعی شد. تاریخ نشان داد که ملت ایران به رهبری امام به چه آگاهی‌هایی دست یافتند و فارغ از بحث‌های مارکسیستی و طبقاتی، با پیروی از مکتب اسلامی، توانستند انقلاب اسلامی را با قدرت پیش ببرند.

۳-۳. گروه‌های راست گرا

در میان خیل گروه‌های راست گرای فعال در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، مرور مواضع جبهه ملی و حزب جمهوری خلق مسلمان در قبال واقعه اشغال لانه جاسوسی به عنوان دو نمونه، نشانگر انحراف عملی آنان از خط امام و عمق کینه آنان نسبت به نظام نوپای جمهوری است، مسأله‌ای که در نهایت حذف این گروه‌های منحرف را از نظام جمهوری اسلامی به همراه داشت.

۳-۳-۱. جبهه ملی

جبهه ملی که از همان آغاز شکل‌گیری در سال‌های پایانی دهه ۳۰ اعتقادی به حرکت‌های بنیادین و رادیکال نداشت و از مبارزه پارلمانی در برابر حکومت مستبد شاه دفاع می‌کرد، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با روی کار آمدن دولت موقت به لطف حکم نخست وزیر امام به مهندس بازرگان، فرصت خودنمایی پیدا کرد.

به دنبال اشغال لانه جاسوسی، جبهه ملی که هرگز از حرکت‌های رادیکال و بنیادین انقلابی حمایت نکرده بود، با تأیید قاطع امام مواجه شده و مجبور به صدور بیانیه گردید. جالب آنکه در این بیانیه، اشاره‌ای به اشغال لانه جاسوسی نشد و فقط به ذکر شعارهای کلی، اکتفا گردید. در بیانیه جبهه ملی آمده بود:

"... محافل امپریالیستی آمریکا، با فراهم ساختن امکانات ارتباط و کمک به طرح ریزی توطئه‌های جدید، به شکل مرکز فعال ضدانقلاب درآمده‌اند، اکنون موقع آن است که یکدل و یک زبان و هوشیار و آگاه با وحدت و همبستگی هرچه بیشتر اقدام کنیم و نقشه‌های شوم دشمنان حاکمیت و استقلال ملی را خنثی سازیم... " (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۶۰: ۹۷).

به دنبال آزادی گروگان‌ها، جبهه ملی به بررسی این جریان و نتایج آن اقدام کرد و تلاش کرد تا درستی این حرکت انقلابی و مردمی را زیر سؤال ببرد. در این مورد، در نشریه "پیام جبهه ملی" می‌خوانیم:

"... ماجرای گروگان‌گیری، سرآغاز تأسف آور و طلایه نامبارک یک سلسله خیمه شب بازی‌های شگفت آور و بی‌سابقه بود که خودکامگان نو دوست برای حفظ و تثبیت خود به کار بسته بودند... خودکامگان جاه طلب، برای دستیابی به خواسته‌های خود از خودشان مایه نگداشته و حیثیت و غرور ملتی از بند رسته و سرفراز را ملعبه خویش قرار دادند..." (پیام جبهه ملی، شماره ۴۹).

علاوه بر این، در شماره ۵۰ پیام جبهه ملی به صراحت، نظر امام (که مخالف سفر بنی‌صدر - وزیر خارجه وقت - به سازمان ملل بودند) نیز زیر سؤال رفته بود. امام با دوران‌دیشی خاص خود با این سفر مخالفت کردند، چون می‌دانستند که کشور در هرحال محکوم می‌شود، اما جبهه ملی با دوران‌دیشی امام، به گونه دیگری برخورد کرد: "از آنهایی که با تمام نیرو تلاش کردند که وزیر خارجه ایران در آن زمان در شورای امنیت شرکت نکند، باید پرسید در آن شورا و در دیوان لاهه ممکن بود چه چیز گفته شود که بیشتر از آنچه که شد به ضرر ما تمام شود؟..." (پیام جبهه ملی، شماره ۵۰)

همچنین در مقاله مفصلی در شماره ۴۹ پیام جبهه ملی تحت عنوان "آزادی گروگان‌ها هدیه جمهوری اسلامی به ریگان" ضمن آنکه تلاش شد صحت افشاگری‌های دانشجویان مسلمان پیروی خط امام که برای جریان‌های وابسته‌ای همچون جبهه ملی دردسر فراوان ایجاد کرده بود، زیر سؤال برود؛ سعی گردید تا این فرضیه اثبات شود که دولت جمهوری اسلامی، با حکومت ریگان بر سر گروگان‌ها معامله‌ای پنهانی انجام داده است. در این مورد چنین می‌خوانیم: "سرانجام دولت ایران آنچه را که بر سر چیمی کارتر به صورت چماق کوفته بود، به عنوان هدیه نخستین روز آغاز ریاست جمهوری رونالد ریگان... تقدیم نمود... هر روز به بهانه افشاگری به پخش شایعات پرداختند و تیرهای تهمت و افترا را بی‌دریغ و بدون فرصت مجال دفاع، به سوی افراد پرتاب کردند... تاریخ آینده ایران و آنچه از رهگذر این دروغ‌ها و فریب‌ها نصیب مردم مظلوم ما خواهد شد، نشان خواهد داد که اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری جز یک جنایت و خیانت آشکار به انقلاب ایران و هدف‌های مردم ایران نبود..." (پیام جبهه ملی، شماره ۴۹).

در شماره ۵۱ این نشریه نیز مجدداً تسخیر جاسوس خانه آمریکا خیانت به انقلاب توصیف شده بود: "اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری اعضای سفارت، یک خیانت آشکار و مسلم به انقلاب و آزادی و استقلال ایران و به نفع امپریالیسم آمریکا در جهت نابودی دستاوردهای انقلاب ایران بود ... بار دیگر، وطن ما دستخوش تهاجم همه جانبه امپریالیسم و جهانخواران قرار گرفته است، که به وسیله خائنین و فرصت طلبان داخلی، در حکومت جمهوری اسلامی درصدد تحمیل یک قدرت جابر و استبدادی مطلق هستند ... من [نویسنده مقاله] از تمام مردم ایران دعوت می‌کنم، صدای اعتراض خود را بر علیه این جنایت آشکار بلند کنند و تشکیل یک دادگاه ملی را برای تحقیق در ریشه‌های این خیانت و تسلیم، خواستار شوند ..."

کمتر از شش ماه بعد از درخواست جبهه ملی برای تشکیل یک دادگاه مردمی برای محاکمه خائنان به کشور و انقلاب، اعضای این جبهه که به صراحت با نص صریح قرآن و لایحه قصاص مخالفت کرده بودند، از سوی امام(ره) مرتد شناخته شدند و از سوی مردم و نیروهای وفادار به انقلاب نیز کنار گذاشته شدند (موسوی خمینی ۱۳۷۰، ج ۱۵: ۱۰)

۳-۲-۳. حزب جمهوری خلق مسلمان

حزب جمهوری خلق مسلمان یکی از احزاب منحرف و ضدانقلابی بود که تسخیر لانه جاسوسی آمریکا به سرعت باعث رسوایی آن شد و از ادامه حیات این گروهک منحرف جلوگیری به عمل آورد. این حزب بیشتر در منطقه آذربایجان فعالیت داشته و تلاش می‌کرد از حمایت معنوی آیت الله شریعتمداری برخوردار شود و وی را به عنوان چهره‌ای در برابر امام(ره) علم کند. سران این حزب در ابتدا فریبکارانه از اشغال سفارت طرفداری کردند، حال آنکه در پس پرده دفاع از اسلام، دمکراسی و حمایت از مراجع تقلید، سعی داشتند تا امام(ره) و نیروهای ارزشی طرفدار ایشان را کنار بزنند. در اطلاعیه‌ای که این حزب در تاریخ ۱۶ آبان، درباره تسخیر لانه جاسوسی منتشر کرد چنین آمده است:

"... ما ضمن تأیید هرگونه مبارزه ضد امپریالیستی علیه قدرت‌های استعمارگر - علی الخصوص، آمریکا و انگلیس - استمرار مبارزه اصولی و منطقی و بنیادی علیه کلیه قدرت‌های استعمارگر را خواهانیم ... " (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۶۰: ۹۴).

این شعارهای ظاهری درحالی از سوی حزب جمهوری خلق مسلمان، سر داده می‌شد

که حزب با راه انداختن آشوب و بلوا در قم و تبریز و صحنه سازی در مورد حمله به بیت آیت‌الله شریعتمداری - که بعدها ساختگی بودن آن ثابت شد - تلاش داشت تا مانع بارور شدن نهال انقلاب شود (دوانی ۱۳۸۶: ۱۶۸). با ادامه فعالیت‌های تفرقه افکنانه این حزب، دانشجویان پیرو خط امام، به افشاگری در مورد مقدم مراغه‌ای، نماینده آذربایجان در مجلس خبرگان و استاندار آذربایجان، اقدام کردند. در اطلاعیه افشاگری شماره ۲۰ دانشجویان پیرو خط امام در باره وی چنین آمده است:

"آقای مقدم مراغه‌ای، درصدد بوده است که به هر نحو شده، پای آمریکای جنایتکار را که عمری در این مملکت به چپاول و غارت مشغول بوده و ملت به بهای خون ده‌ها هزار شهید پای آن را از کشور کوتاه کرده، دوباره برگردانده و برمقدرات ملت حاکم کند. آقای مراغه‌ای آنچنان دلسوزانه به جاسوسان آمریکا توصیه می‌کند تا برای آنکه بتوانند در ایران فعالیت کنند، با امام خمینی ملاقات کنند که هر خردمندی به خوبی در می‌یابد که ایشان به جای اینکه در راه منافع ملت خودگام بردارد، در جهت منافع دولت آمریکا خدمت می‌نماید. متأسفانه این خائن غریزده، خود را منتسب به بزرگان دین هم می‌کند که این گناهی نیز نابخشودنی است" (دانشجویان مسلمان پیروی خط امام، شماره ۱-۶، ۱۳۶۸: ۱۵۲-۱۵۳)

در بخشی از سند منتشر شده از سوی دانشجویان به اظهارات مقدم مراغه‌ای درباره امام (ره) در زمان ملاقات با مأموران سفارت اشاره شده و چنین آمده است: "او [خمینی] روشنفکرها را از خود دور می‌کند و به زودی متوجه این اشتباه شده و اوضاع را سر و صورت خواهد داد ... مقدم گفت که خیلی‌ها از شریعتمداری به خاطر عدم رهبری انتقاد می‌کنند، در صورتی که این انتقاد نابجاست و خمینی قدرتمندتر از آن است که شریعتمداری فعلاً بتواند با او مقابله کند، ولی البته وقتش خواهد رسید. او افزود که آذربایجان مترصد اشاره او [شریعتمداری] است" (دانشجویان مسلمان پیروی خط امام، شماره ۱-۶، ۱۳۶۸: ۱۵۳-۱۵۷).

به هر حال، انتشار همین سند، نشان دهنده ماهیت منافقانه و فریبکاری حزب جمهوری خلق مسلمان بود که تلاش داشت با قرار دادن شریعتمداری در برابر امام، در سیر انقلاب اختلال ایجاد کند. انتشار این سند در ۱۷ آذر ماه ۱۳۵۸ و نیز سخنرانی تند امام در ۲۳ آذر ماه، در مورد وقایع آذربایجان و تبریز، موجب اعلام راهپیمایی جامعه مدرسین و دانشجویان مسلمان پیرو خط امام شد، که در قالب آن، همگی خواستار انحلال این حزب خائن شدند و سرانجام، با تسخیر مقر این حزب در تبریز، فعالیت

کوتاه آن نیز خاتمه یافت.

۳-۴. گروه‌های اسلام‌نمای تقاطعی

در میان گروه‌هایی که در ابتدای انقلاب تلاش داشتند با تلفیق افکار لیبرالیستی یا کمونیستی با اندیشه‌های ناب اسلامی تفکرات تقاطعی را در سطح جامعه ترویج کنند، سازمان مجاهدین خلق یا منافقین بیشترین شهرت و بالاترین حجم فعالیت تشکیلاتی را داشت. این سازمان پس از تسخیر لانه جاسوسی هم تلاش فراوانی نمود تا این حرکت را مصادره به مطلوب کند و پس از ناکامی در رسیدن به اهداف خود در این زمینه طرفداران امام را به همدستی با امپریالیسم متهم کرد.

۳-۴-۱. سازمان مجاهدین خلق

گروه مجاهدین خلق که خیانت‌های بی‌پایان آنها به نظام جمهوری اسلامی موجب شد از سوی مردم لقب منافقین را دریافت کنند، سرآمد گروه‌هایی بودند که با قرائتی انحرافی از اسلام تلاش داشتند نظام نوپای جمهوری اسلامی را به انحراف بکشانند. منافقین که حزب جمهوری اسلامی را به عنوان محل تجمع نیروهای ارزشی طرفدار امام، سمبل ارتجاع تلقی می‌کردند مدعی بودند که نظام جمهوری اسلامی نه فقط توانایی مبارزه ضد امپریالیستی را ندارد، بلکه به سوی وابستگی به امپریالیسم پیش می‌رود. آنان سخنان و بیانیه‌های امام را که در غالب آنها آمریکا هدف حملات شدید قرار گرفته بود، طوری تفسیر می‌کردند که انگار حملات مذکور تنها صوری و ظاهری است. منافقین مدعی بودند که نیروهای خط امام، به دلیل عدم درک درست و ناتوانی در شناخت ماهیت واقعی امپریالیسم، کشش چنین مبارزه‌ای را ندارند. (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۶۰: ۵۶-۵۷)

پس از تسخیر لانه جاسوسی، این گروهک بر سر دوراهی قرار گرفت. زیرا در صورت عدم تأیید این حرکت در مقابل اکثریت ملت قرار می‌گرفت، اما تأیید آن هم به معنای تأیید جریان خط امام بود. لذا آنان از موضع رهبری، رهنمودها، شعارها، خواسته‌ها و سؤالاتی را مطرح می‌کردند که مطمئن بودند حاکمیت هرگز قادر به اجرای تمامی آنها نیست.

آنان در اولین اطلاعیه خود در مورد اشغال لانه جاسوسی چنین می‌نویسند: "شور و شعف ضد امپریالیستی خلق ستمکش ما، این بار نباید همچون گذشته توسط برخی مسئولین به مسامحه و سهل‌انگاری و باری به هر جهت کردن برگزار شود و یا صرفاً

وسیله ارضای مقام پرستی‌ها و جاه طلبی‌های برخی ریاکاران قرار گرفته و ابعاد و اعمال لازم را پیدا نکند" (مجاهد، ۵۸/۸/۱۴).

منافقین درحالی که فقط یک روز از اشغال سفارت آمریکا سپری شده بود، همان ادعای انحصار طلبی انقلاب از سوی منابع ارزشی و اصولگرا را دوباره - به شکل جدیدی - مطرح کردند. منافقین در اطلاعیه دیگری در ۱۵ آبان، تلاش کردند عملکرد نهادهای انقلابی را در ارتباط با تسخیر لانه جاسوسی زیر سؤال ببرند و نوشتند: "این یک مبارزه متحد تمام خلق تا پیروزی است و از این رو، هرگونه شعار تفرقه جوینه در آن، خیانت به منافع تمام خلق محسوب می‌شود. همچنین در صورت عدم قطع کامل وابستگی‌های نظامی، فرهنگی و... پیروزی، سرابی بیش نخواهد بود. ما هشدار می‌دهیم که همچون گذشته نباید این مدارک در بایگانی این اداره یا آن کمیته بلااثر گردد. چنین طرز برخوردی، در اذهان ملت ایران جز به معنای قرار دادن خود و یا شرکای ضد خلقی خود، در معرض مکافات خلق نمی‌باشد" (مجاهد، ۵۸/۸/۱۵).

با آغاز افشاگری‌های دانشجویان خط امام (ره) و تداوم آن که نشان می‌داد مأموران سفارت آمریکا در عمل چه گروه‌ها و نیروهایی را واقعاً انقلابی می‌دانند، اعضای سازمان مجاهدین به نگرانی افتادند. زیرا اسناد افشا شده نشان می‌داد که نیروهای پیروی خط امام (ره) نه تنها جاده صاف کن امپریالیسم نیستند بلکه در صف اول مبارزه با آمریکا هستند. اما منافقین که نمی‌خواستند تسلیم واقعیت شوند، سعی کردند به نحوی تضاد مواضع خود با واقعیات را توجیه کنند و حتی از آن به عنوان محملی برای مشخص‌تر کردن دیدگاه خود در برابر حکومت و نیروهای ارزشی، که حاکمیت را کم‌کم در اختیار می‌گرفتند، استفاده کنند. به همین جهت، آنان در مقاله‌ای با عنوان "آیا دانشجویان پیرو خط امام موضع جنگ افروزانه و نفاق افکنانه‌ی این حزب (حزب جمهوری اسلامی) را از یاد برده‌اند؟" چنین آوردند: "آیا می‌دانید در جهت تثبیت چه حزب فراگیری این گونه دست به افشاگری می‌زنید؟ آیا از هیچ نیروی دیگری پرونده ضدیت با آمریکا وجود نداشت؟ برادران دانشجو امید به بقای چه حزبی بسته‌اند؟ یک حزب فراگیر در حال تلاش؟ و مگر نه این است که قانونمندی‌های خدشه ناپذیر اجتماعی، چنین سرنوشتی را برای این حزب و امثال آن مقدر کرده است؟" (مجاهد، ۵۸/۱۱/۶)

پس از آن نیز منافقین کم‌کم با تحلیل وقایع، سعی کردند به شکلی صریح‌تر در برابر حزب جمهوری اسلامی و نیروهای ارزشی - که در ادبیات آنها ارتجاع نامیده می‌شد -

ایستادگی کنند و اعلام کردند که شور و شعار دوران تسخیر لانه جاسوسی چیزی جز یک هیجان مقطعی، به دور از آگاهی و شناخت ماهیت واقعی این مسأله مهم و پیچیده نبود و این جریان اصیل توسط ارتجاع به انحراف کشیده شد. آنان در یکی از مقاله‌های خود چنین بیان کردند: "با اشغال سفارت آمریکا، کوس رسوایی برخی لیبرال‌ها به صدا در آمد، هرچند بسیاری از مدارک افشا نشده، ولی همین قدر کافی بود که مقدمتاً سلطه همه جانبه لیبرال‌ها را با اشکال مواجه سازد، اگر چه برخی افشاگری‌ها (بنا به مصالحی که نمی‌دانیم) خیلی محدود و گاه برای تظہیر برخی رسواشدگان صورت می‌گرفت، ولی ارتجاع از ابتدا خیلی محافظه کارانه با اقدام دانشجویان پیرو خط امام برخورد کرده، با وجود این به خاطر سقوط دولت بازرگان، چه بسا برخی مرتجعین فکر می‌کردند که راه حاکمیت همیشگی آنها هموار شده است؛ اما جریانات بعدی نشان داد که کمتر در معرض چنین شانس‌هایی هستند" (مجاهد، ۵۸/۱۱/۱۶).

پس از آنکه مسئولیت تصمیم‌گیری در مورد گروگان‌ها به مجلس نوپای شورای اسلامی محول شد، منافقان باز هم به همان حربه قدیمی متوسل شدند و نیروهای اصول‌گرا را به همدستی با امپریالیسم متهم کرده و ادعا کردند: "این وظیفه مبرم مقامات مسؤل است که به این مذاکرات محرمانه خاتمه دهند. بدون شک، اگر در این مذاکرات معامله شرم آوری در کار نباشد، دلیلی هم برای مخفی نگه داشتن آن وجود نخواهد داشت" (مجاهد، ۵۹/۹/۱۱).

همچنین پس از تصویب آزادی گروگان‌ها، رجوی - سرکرده منافقین - در پیامی مدعی شد: "هدف اصلی برای متولیان و سردمداران، یک مانور عظیم برای از میان به در کردن نیروهای واقعاً ضد امپریالیست بود و نه امپریالیست‌ها..." (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۶۰: ۷۴).

سرانجام منافقین حرف دل شان را که مدت‌ها در سینه نگه داشته بودند، زدند و به صراحت، در مقابل خط امام و نیروهای ارزشی ایستادگی کرده و از اینکه در تسخیر لانه جاسوسی و افشاگری‌های بعدی ضربه‌های سختی به آنها وارد شده، ابراز نارضایتی کردند: "در این بازی برای دبیرکل حزب جمهوری اسلامی کدام مهم‌تر بود؟ شگرد سیاسی در برابر شگرد سیاسی آمریکا به دست آوردن، یا شگرد سیاسی در برابر جناح‌های رقیب داخلی و برگ برنده در برابر آقای بنی‌صدر علم کردن؟ و نشان دادن اینکه خط امام در بن بست نیست؟ ما نسبت به طی مراحل و قدم‌های بعدی سازش و تسلیم و فشار هر چه بیشتر بر نیروهای انقلابی، در ادامه خط آزادسازی گروگان‌ها

هشدار داده و می‌دهیم ... " (مجاهد، ۵۹/۱۱/۷).

اما با همه این ادعاهای منافقین، مسأله گروگان‌گیری با سرافرازی و با دستاوردهای فراوان، به نفع جمهوری اسلامی به پایان رسید و همان‌طور که امام بارها فرمودند، مملکت اسلام به بن بست نرسید، بلکه این منافقین بودند که با تنگ شدن مجال تنفس، از صحنه سیاسی کشور حذف شدند و به دامان همان آمریکایی پناه بردند که دم از مبارزه ضد امپریالیستی با آن می‌زدند.

۴. تثبیت خط امام و جوان‌گرایی در انقلاب اسلامی

تصرف لانه جاسوسی موجب کنارزده شدن نیروهای غیرمعتقد به خط واقعی امام و تضعیف جدی جایگاه نیروهای سیاسی مارکسیست، لیبرال و التقاطی شد. علت این امر موضع‌گیری‌ها و عملکرد این گروه‌ها در جریان واقعه اشغال لانه جاسوسی و همین‌طور افشاگری‌های به عمل آمده در مورد سوابق برخی از آنان توسط دانشجویان پیروی خط امام بود.

نتیجه طبیعی این امر تثبیت خط امام و افزایش تسلط نیروهای انقلابی حامی ایشان بر فرایندهای سیاسی و اجتماعی جامعه بود. این نیروها که به منظور پیروزی انقلاب اسلامی فداکاری زیادی کرده بودند، به علت عدم بهره‌مندی از تشکیلات و تجربه سیاسی بر خلاف گروه‌های غیرمذهبی و التقاطی در ابتدای پیروزی انقلاب قادر به تاثیرگذاری به اندازه وزن خود در جامعه نبوده و همین مسأله باعث شد طرف مقابل نبض سیاست را در جامعه آن روز ایران در اختیار بگیرد.

دکتر ابدی از دانشجویان فعال در جریان تسخیر لانه جاسوسی در این زمینه می‌گوید: "بچه‌های مذهبی مشکل تشکیلات داشتند و نبودن سابقه کاری. اینها تشکیلات خیلی هیأتی و ابتدایی درست کردند و البته در دل این تشکیلات هم اختلاف نظر بود. در حالی که آن دسته دیگر یکدست بودند، مرکزیت سازمانی داشتند و خیلی با برنامه و با هدف حرکت می‌کردند. اینها موضع‌گیری واحد و خیلی شدیدی را علیه امام و جریان اسلامی و روحانیت در پیش گرفتند و همه (توده ای‌ها، چریک‌های فدایی خلق، پیکاری‌ها) یک تئوری داشتند و آن این بود که انقلابی که در ۲۲ بهمن به وقوع پیوسته، آن انقلاب اصلی که دنبالش بودیم نیست. این مرحله اول است و انقلاب جلو می‌رود تا جایی که طبقه کارگر به رهبری حزب کمونیست پیروز می‌شود... منافقین هم می‌گفتند انقلاب کور بوده و آن اسلام اصیل انقلابی و ضدامپریالیستی هنوز به

وقوع نپیوسته ... نقطه مشترک اینها و آن دسته غیرمذهبی این بود که هر دو می گفتند این انقلاب، انقلاب اصلی نیست. جار و جنجال تبلیغاتی اینها گوش فلک را پر کرده بود، از این بابت که ضدامپریالیسم هستیم و بچه مسلمان‌ها ندارند آن مایه‌های ضدامپریالیستی را... با آن همه تبلیغات بعضی بچه مسلمان‌ها به این می رسیدند که نکند آنها واقعا مرتجعند... بسیاری از بچه‌ها مرعوب شده بودند و نمی دانستند چه بکنند" (جمهوری اسلامی، ۷۷/۸/۱۳).

اما تسخیر لانه جاسوسی به سرعت شرایط را تغییر داده و این بار نیروهای غیرمذهبی و التقاطی هستند که در موضع ضعف قرار گرفته و برتری خود را در ماه‌های پس از پیروزی انقلاب از دست می دهند. دکتر ابدی در این مورد می گوید: "درست در عرض یک هفته همه چیز برای ما عوض شد و همه این نیروهای غیرمذهبی سراسیمه شدند... حتی بی میل نبودند که آنها هم در این حرکت شریک شوند. از اولین نتایج این حرکت آن بود که به بچه‌های مسلمان اعتماد به نفس داد و ورق برگشت و اوضاع به ضرر آنها پیش رفت تا انقلاب فرهنگی که کاملاً از دانشگاه رخت بستند" (جمهوری اسلامی، ۷۷/۸/۱۳).

شرایط سیاسی کشور تا قبل از تسخیر لانه جاسوسی و به حاشیه رانده شدن نیروهای حامی خط امام دقیقاً منطبق بر خواسته‌ها و علائق ایالات متحده بوده و اسناد افشا شده سفارت نیز همین رویکرد را نشان می دهد. در یکی از این اسناد به صراحت بر حمایت از نیروهای سیاسی مخالف با امام خمینی (ره) تاکید شده است: "اگر هر گروه میانه رو و متمایل به غرب به مبارزه علیه ملاها برخیزد، در مورد او به عنوان یک گروه (مترقی) با علاقه تمام تبلیغ خواهیم کرد" (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، شماره ۱-۶، ۱۳۶۸: ۱۸۷).

در سند دیگری راهکارهای کاخ سفید برای مقابله با خط امام به طور مفصل تشریح شده و جالب اینکه سازش با روحانیت به منظور جلب اعتماد رژیم به منظور پیشبرد سیاست‌های دیگر و از جمله برقراری ارتباط با عناصر میانه رو تجویز شده است: "مادامی که جهت سیاسی دقیق ایران اتخاذ نشده و مادامی که قدرت روحانیت توسط دیگر گروه‌ها کم نشده، ما باید طوری رفتار کنیم که بتوانیم با جناح روی کارآمده سازش کنیم. این در حالی است که بتوانیم یک پیوند محکم با دیگر گروه‌های مخالف سیاسی برقرار کنیم... در این موقع حساس، هیچ دولتی قادر نیست که حکومت ایران را سرنگون کند. پس باید از در مسالمت آمیز با ایران درآمد و به گسترش کارهای عملی

کمک نمود، (از جمله) جلب عناصری در ارتش و گروه‌های میانه روی مذهبی که در آینده نقش خاصی خواهند داشت و جلب اعتماد رژیم در جهت کاهش عکس‌العمل‌هایی که در آینده به نوبه خود در ثبات موثر خواهد بود... در مدت زمان کوتاه می‌خواهیم همه مسائل گذشته حل شود و از هرگونه مجادله دوری شود. در این مدت، ما یک معامله را با دولت موقت جدید تنظیم می‌کنیم. ما می‌خواهیم در عرض این مدت، سوظن رهبران را برطرف کنیم و تا جایی که ممکن است با آنها طرح دوستی بریزیم" (دانشجویان مسلمان پیروی خط امام، شماره ۱-۶، ۱۳۶۸: ۱۸۰)

تسخیر لانه جاسوسی تمامی این برنامه ریزی‌ها برای به انحراف کشاندن انقلاب اسلامی را به شکست کشاند و باعث گردید نیروهای سیاسی معتقد به اسلام واقعی و آرمان‌های امام خمینی(ره) قدرت را در دست بگیرند. با عنایت به جوان بودن اکثریت این نیروها که عمدتاً دانشجوی بودند، تسخیر لانه جاسوسی باعث جوانگرایی در انقلاب اسلامی و به کارگیری نیروهای جوان‌تر در پست‌های سیاسی به جای نیروهای قبلی شد که عمدتاً وابسته به نهضت آزادی و جبهه ملی بود و در دوره میانسالی یا کهولت به سر می‌بردند. این امر شور و نشاط تازه‌ای را به ساختار سیاسی و اداری کشور تحمیل کرد و پیشبرد فرامین و نیت حضرت امام خمینی(ره) در کشور را با سرعت و قدرت بیشتری امکان پذیر ساخت.

۵. تقویت همگرایی، وحدت ملی و روحیه خودباوری

تقویت همگرایی و وحدت ملی از آثار بسیار مهم تسخیر لانه جاسوسی بود که آینده نظام جمهوری اسلامی را در درازمدت بیمه کرد. مردم با حضور وسیع و همیشگی خود در برابر سفارت سابق آمریکا و تظاهرات بر ضد سیاست‌های کاخ سفید از قید و بند همه نارضایتی‌هایی که در اثر عملکرد محافظه کارانه دولت موقت برای آنها به وجود آمده بود، رها شدند و با تایید مجدد آرمان‌های امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی دوباره حول محور ایشان و مقابله با استکبار جهانی متحد و یکپارچه گردیدند.

تسخیر سفارت سابق آمریکا زمینه اتحاد و انسجام همه نیروهای متعهد و مومن به دیدگاه‌های امام خمینی(ره) را برای مقابله با تهدیدی بزرگتر و مبارزه‌ای وسیع‌تر با همه توان فراهم ساخت و آمریکا را دوباره به عنوان دشمن شماره یک کشور در اذهان مردم انقلابی زنده کرد.

یکی از دانشجویان پیروی خط امام در مورد نقش مهم رویداد تسخیر لانه جاسوسی در جهت تقویت و حفظ وحدت ملی و مقابله با بحران‌های آتی در برابر انقلاب اسلامی می‌گوید: "در آن مقطع یک پتانسیلی در جامعه وجود داشت که با اشغال سفارت آمریکا، این پتانسیل به سمتی جهت پیدا کرد که آمریکا نتواند در سال‌های بعد توطئه‌هایش را علیه ما عملی کند. بدون تردید خنثی کردن و مقابله با بحران‌هایی مثل بحران کردستان و جنگ تحمیلی که توسط مردم انجام شد، بدون ظرفیت سازی در درون جامعه امکان پذیر نبود. بخشی از این ظرفیت سازی در جریان پیروزی انقلاب به وجود آمد و بخش دیگری نیز در جریان تسخیر لانه جاسوسی یا انقلاب دوم. تصرف سفارت آمریکا و ماجرای گروگان‌گیری، یک کار ۴۴۴ روزه بود که به طور منظم به مردم خوراک فکری می‌داد و در آنها ظرفیت سازی می‌کرد تا برای حفظ انقلاب با بحران‌های بزرگ بعدی مقابله کنند" (ستوده و کاویانی ۱۳۷۹: ۱۲۱)

اشغال لانه جاسوسی به گونه دیگری نیز بر تقویت وحدت ملی و حفظ انقلاب تاثیر گذارد، زیرا موجب توقف فعالیت‌های جاسوسی و خرابکارانه سفارت آمریکا شد که تداوم آن می‌توانست به طور جدی همبستگی ملی، تمامیت ارضی و امنیت جمهوری اسلامی را تهدید کند. در ماه‌های بعد از تسخیر سفارت هم اسناد طبقه بندی شده آن از سوی دانشجویان مسلمان پیروی خط امام افشا شد و این مساله زحمات سی ساله دولت آمریکا و سازمان جاسوسی سیا برای نفوذ به جامعه ایران و استخدام نیروهای مناسب برای بهره برداری در زمان مطلوب را به هدر داد. همچنین از این طریق بسیاری از اسرار و ارتباطات سازمان سیا با سازمان‌های جاسوسی دیگر و شگردهای خاص این سازمان‌ها افشا شد که باعث اختلال جدی در فعالیت‌های خرابکاری و اطلاعاتی ایالات متحده در منطقه شد.

مثال عینی در این زمینه پشتیبانی ایالات متحده از فعالیت‌های خرابکارانه و تجزیه طلبانه گروهک‌های ضدانقلاب در کردستان است و این در حالی بود که دولت این کشور به طور رسمی چنین فعالیت‌هایی را تکذیب کرده و در تماس با مقامات دولت موقت از خود سلب مسئولیت می‌کردند. سند زیر در این زمینه نشانگر همین مساله است: "یزدی (وزیر امور خارجه دولت موقت) قانع شده بود که یک پشتیبانی قوی خارجی برای آشوب‌کردها وجود دارد. دولت ایران اطلاعاتی داشته مبنی بر اینکه آمریکا و اسرائیل هم با عراق در اختلال همدست بوده‌اند. کاردار سعی زیادی کرد که نشان دهد آمریکا منافع خیلی کمی در کمک به شورشیان کرد دارد... اینها و نظرات

دیگر یزدی نشانگر مقدار زیادی خیالات واهی در مورد سیاست آمریکا نسبت به ایران می باشد. او گمان می کرد گروهی داخل دولت آمریکا (احتمالاً سیا) در فعالیت‌هایی دست دارند، مبنی بر برانداختن دولت ایران" (دانشجویان مسلمان پیروی خط امام، شماره ۱۰، ۱۳۶۸: ۱۲۶)

علیرغم اینکه کاردار آمریکا بر طبق این سند به صراحت دخالت در آشوب ضدانقلاب در کردستان را رد کرده، اما سند دیگری نشانگر دروغ‌گویی وی در این زمینه است. بر طبق این سند جان گریوز یکی از دیپلمات‌های سفارت آمریکا در نامه‌ای خطاب به مقامات خود در واشنگتن سناریوهای گوناگونی را برای تضعیف وحدت ملی، ایجاد هرج و مرج در کشور و در نهایت سقوط جمهوری اسلامی پیشنهاد می کند. یکی از این سناریوها تحریک اختلافات قومی و منطقه‌ای است: "من حداقل دو سناریو و برنامه را که می توانند به هرج و مرج و سقوط تدریجی بینجامند در نظر دارم. یکی نیروهای تمرکز یافته که بر اثر نارضایتی‌های منطقه‌ای و قومی تحریک شده باشند و اگر به نحوه‌ای غلط با آنها برخورد شود، ممکن است باعث تعطیل شدن و بسته شدن مناطق نفتی گردند، یا اقتصاد سنتی را از هم پاشند یا ... توده‌ها به مخالفت با رهبران مذهبی بی عرضه خود برخیزند. نفاق در مدارس بین محصلین و بین کادرهای مدارس و هر دو می تواند باعث بسته شدن مدارس برای مدت طولانی شود و در نتیجه باعث نارضایتی عمومی گردد یا تبدیل به خشونت‌های افراطی شود و آن‌ها دوره‌های چهل روزه عزاداری را که نقش بزرگی در سقوط شاه داشت، از سر شروع کنند" (دانشجویان مسلمان پیروی خط امام، شماره ۶-۱، ۱۳۶۸: ۲۹۰)

در پایان باید به یکی دیگر از آثار مهم اشغال لانه جاسوسی یعنی از بین بردن خودباختگی در میان ملت ایران اشاره کرد. مردم انقلابی با سرنگون کردن حکومت پهلوی شاه را که مظهر استکبار بود به شکست کشانده بودند. اما خودباختگی برخی افراد در برابر قدرت ظاهراً مرعوب کننده غرب و به ویژه آمریکا برطرف نشده بود و تأثیرات آن در جامعه ایران کماکان ادامه داشت. با تسخیر لانه جاسوسی اسطوره شکست ناپذیری آمریکا نه تنها در ایران بلکه در کل جهان در هم شکست. آمریکا که هرگز در طول دوره حیات خود با چنین شرایطی مواجه نشده بود، ضربه مهلکی را از مردم مسلمان و انقلابی ایران دریافت کرد و این امر موجب رشد سریع و جهش سیاسی قابل توجه ملت شد. مرحوم حاج احمد خمینی به خوبی این نکته و دیگر پیامدهای سیاسی - اجتماعی تسخیر لانه جاسوسی را تبیین نموده است: "از مهم ترین

دستاوردهای داخلی و خارجی انقلاب دوم، شکست ابهت دیرینه قدرت افسانه‌ای آمریکا بود. حقیقت این است که بعد از جنگ ویتنام، آمریکا در هیچ صحنه‌ای به اندازه این اقدام انقلابی فرزندان امام، به رسوایی و ضعف و زبونی کشیده نشد. اعتراف مسئولان آمریکا بهترین گواه بر این مدعاست. این اقدام باعث رسوایی چهره و اهداف لیبرال‌ها شد و انقلاب اسلامی که می‌رفت به دست آنان مسخ شود و زمینه حضور دوباره آمریکا در ایران فراهم آید، نجات یافت و حاکمیت جناح انقلابی و پیروی خط امام، در کشور تقویت شد. بعد از پیروزی ۲۲ بهمن در بی سابقه‌ترین شکل ممکن وحدت ملی متجلی شد و تمام اقشار مردم یکپارچه به حمایت از این اقدام برخاستند و دوباره شور انقلاب در سطوح مختلف احیا شد. نقشه‌ها و طرح‌های سری آمریکا افشا گردید، مجهزترین مرکز توطئه علیه نظام و انقلاب برچیده شد، به مبارزین مسلمان در کشورهای دیگر و نهضت‌های آزادیبخش ثابت شد که می‌توانند با حرکت‌های ابتکاری مورد حمایت ملت، رودرروی آمریکا بایستند و منافع نامشروع آن را در سطح جهان به خطر اندازند، در پهنه جهانی ثابت کرد که ایران بر سر اصول و آرمان‌هایش ثابت قدم ایستاده و به حق پرچمدار نهضت‌های ضداستعماری است و قاطعیت رهبری امام در مبارزه اش با شرق و غرب بر جهانیان بیش از پیش روشن شد" (ابرار، ۱۳۷۹/۸/۱۰).

نتیجه‌گیری

اشغال لانه‌جاسوسی و تصرف سفارت سابق آمریکا در تهران از چنان پیامدهای دامنه‌دار و عمیقی برای نظام جمهوری اسلامی و جریان‌های سیاسی فعال در کشور برخوردار بود که امام خمینی (ره) از تعبیر انقلاب دوم برای توصیف آن استفاده کردند و تمامی احزاب و فعالان سیاسی کشور با هر فکر و عقیده‌ای نیز مجبور به موضع‌گیری در برابر آن شدند.

بررسی این مواضع نشان می‌دهد که واقعه تسخیر لانه‌جاسوسی در داخل کشور از سه پیامد بسیار مهم برخوردار بود که این امر سرنوشت جریان‌ها و گروه‌های مختلف سیاسی را دستخوش تغییرات اساسی نمود. اول آنکه این رویداد باعث شد گروه‌ها و نیروهای فعال در ایران در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب مواضع شفاف‌تری اتخاذ کنند که این موضوع گیری‌ها باعث شد ماهیت واقعی و نگرش کلی آنها به مسائل کلان جامعه و نظام مشخص شود و همین مسأله موجب پالایش نظام از برخی اشخاص و گروه‌ها با مواضع غیرانقلابی و ضدانقلابی شد که در پست‌ها و وزارتخانه‌های حساس مستقر شده بودند. تسخیر لانه‌جاسوسی ابتدا موجب سقوط دولت موقت و کنار رفتن

کامل اعضای آن از پست‌های کلیدی شد. با توجه به عدم همدلی و همراهی این افراد با اهداف والای انقلاب اسلامی که به دل‌سرد شدن مردم و حامیان واقعی امام خمینی (ره) و تلاش برای بازگرداندن امور جاری کشور به شرایط عادی و غیر انقلابی منجر شده بود، تسخیر سفارت موجب شد خونی تازه در رگ‌های کشور تزریق شود و جوانان مؤمن و انقلابی بتوانند هدایت کشور را در سال‌های بعد بر عهده بگیرند و افراد و گروه‌های مدعی انقلابیگری و مبارزه با امریالیسم را کنار زده و اسلام انقلابی و راستین را به جامع معرفی کنند. بنابراین پیامد دوم تسخیر لانه جاسوسی آن بود که شفاف شدن مواضع گروه‌های سیاسی موجب تثبیت شدن و حاکمیت جناح خط امام گردید و نیروهای جوان و انقلابی و واقعاً معتقد به نظام و وفادار به امام توانستند کنترل امور را در دست بگیرند. باید توجه داشت که در کنار این فرایند، افشای اسناد سفارت آمریکا که نشانگر طرز تلقی جاسوسان این کشور در مورد افراد و گروه‌های وابسته به شرق و غرب و عمق انحراف گروهک‌هایی همچون منافقین، جبهه ملی، پیکار، چریک‌های فدایی، جبهه ملی و ... بود، مردم علاقمند به امام و انقلاب را با ماهیت واقعی این افراد و گروه‌ها بیشتر آشنا کرد و نتیجه این امر طرد سریع، حذف و فراری شدن آنان بود. همین اسناد حاوی اطلاعات دست اولی در مورد طرز تفکر دولت آمریکا در مورد امام و یاران نزدیک ایشان و همین‌طور ارگان‌های انقلابی بودند و لذا افشای آنها مردم را بیش از گذشته به درستی راهی که طی می‌کردند مطمئن نمود و آحاد جامعه اداره کشور را با رضایت خاطر به پیروان راستین خط امام سپردند.

سومین پیامد واقعه تسخیر لانه جاسوسی که اهمیت آن به عنوان رویدادی برای هدایت نظام اسلامی در مسیر صحیح را مشخص می‌کند، افزایش همگرایی و وحدت ملی است. به بیان دیگر فتح لانه جاسوسی باعث افزایش اعتماد به نفس و خود باوری جریان‌های سیاسی و نیروهای انقلابی پیرو خط امام و سرخوردگی، تضعیف و در نهایت حذف نیروهای لیبرال و دارای تفکرات التقاطی اعم از چپ و راست شد و به تداوم خط اصیل انقلاب از سال ۱۳۵۸ تاکنون منجر شد. در واقع اشغال سفارت سابق آمریکا زمینه اتحاد و انسجام همه نیروهای متعهد و حزب الهی را برای مقابله با تهدیدی بزرگ‌تر و مبارزه‌ای وسیع‌تر با همه توان فراهم ساخت و آمریکا را دوباره به عنوان دشمن شماره یک کشور در اذهان مردم انقلابی زنده کرد.

بنابراین تسخیر لانه جاسوسی عملی بود که موجب ریل گذاری صحیح و دقیق مسیر حرکت انقلاب اسلامی شد و نظام را از انحراف و استحاله تدریجی نجات داد. همان

طور که اسناد و مدارک این مقاله نشان می‌دهند، در صورت تداوم حاکمیت دولت موقت با اندیشه‌های لیبرال و سازش کارانه این خطر وجود داشت که نظام جمهوری اسلامی به تدریج از لحاظ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی استحاله شود و از آن جز نام باقی نماند، اما نیروهای انقلابی پیروی خط امام با تسخیر لانه جاسوسی موجب تصحیح مسیر جمهوری اسلامی شده و از انحراف آن جلوگیری کردند.

منابع

۱. کتابها

- اسماعیلی، خیرالله (۱۳۸۰) دولت موقت. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- بازرگان، مهدی (۱۳۶۳) انقلاب ایران در دو حرکت. تهران: نهضت آزادی ایران.
- برژینسکی، زبینگو (۱۳۶۲) توطئه در ایران (خاطرات)، ترجمه محمود مشرقی، تهران: سازمان انتشارات هفته.
- جردن، هامیلتون (۱۳۶۲) بحران (خاطرات)، ترجمه محمود مشرقی. تهران: سازمان انتشارات هفته.
- دانشجویان مسلمان پیروی خط امام (۱۳۶۸) اسناد لانه جاسوسی آمریکا، مجموعه افشاگری‌ها شماره ۱-۶. تهران: مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی.
- دانشجویان مسلمان پیروی خط امام (۱۳۶۸) اسناد لانه جاسوسی آمریکا، مجموعه افشاگری‌ها جلد ۹. تهران: مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی.
- دانشجویان مسلمان پیروی خط امام (۱۳۶۸) اسناد لانه جاسوسی آمریکا، مجموعه افشاگری‌ها جلد ۱۰. تهران: مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی.
- دانشجویان مسلمان پیروی خط امام (۱۳۶۸) اسناد لانه جاسوسی آمریکا، مجموعه افشاگری‌ها جلد ۱۴. تهران: مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی.
- دانشجویان مسلمان پیروی خط امام (۱۳۶۸) اسناد لانه جاسوسی آمریکا، مجموعه افشاگری‌ها جلد ۱۵. تهران: مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی.
- دانشجویان مسلمان پیروی خط امام (۱۳۶۸) اسناد لانه جاسوسی آمریکا، مجموعه

- افشاگری‌ها جلد ۱۶. تهران: مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی.
- دانشجویان مسلمان پیروی خط امام (۱۳۶۸). اسناد لانه جاسوسی آمریکا، مجموعه افشاگری‌ها جلد ۱۸. تهران: مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی.
- دانشجویان مسلمان پیروی خط امام (۱۳۶۸). اسناد لانه جاسوسی آمریکا، مجموعه افشاگری‌ها جلد ۲۴. تهران: مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی.
- دانشجویان مسلمان پیروی خط امام (۱۳۶۸). اسناد لانه جاسوسی آمریکا، مجموعه افشاگری‌ها جلد ۲۷. تهران: مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی.
- دانشجویان مسلمان پیروی خط امام (۱۳۶۸). اسناد لانه جاسوسی آمریکا، مجموعه افشاگری‌ها جلد ۲۸. تهران: مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی.
- دانشجویان مسلمان پیروی خط امام (۱۳۶۸). اسناد لانه جاسوسی آمریکا، مجموعه افشاگری‌ها جلد ۳۲. تهران: مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی.
- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام (۱۳۶۸). اسناد لانه جاسوسی آمریکا، مجموعه افشاگری‌ها جلد ۵۶. تهران: مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی.
- دوانی، علی اصغر (۱۳۸۶) مفاخر اسلام، معاصران، جلد سیزدهم. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ستوده، امیررضا و کاویانی، حمید (۱۳۷۹) بحران ۴۴۴ روزه در تهران، گفته‌ها و ناگفته‌هایی از تصرف سفارت آمریکا. تهران: موسسه نشر و تحقیقات ذکر.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۰) صحیفه نور، جلد ۱۰. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۰) صحیفه نور، جلد ۱۵. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- نهضت زنان مسلمان (۱۳۶۲) مواضع نهضت آزادی در برابر انقلاب اسلامی، جلد اول. تهران: نهضت زنان مسلمان.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۶۰) بررسی مستندی از مواضع گروه‌ها در قبال انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات شرکت سهامی چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی.

- یزدان پرست، سید محمدهاشم (۱۳۸۹) پیش زمینه‌های داخلی تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ایران، فصلنامه مطالعات تاریخی، سال هفتم، شماره ۳۰.

۲. روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها

- روزنامه ابرار ۱۰/۸/۱۳۷۹.

- اطلاعات، ۲۹/۹/۱۳۵۸.

- روزنامه انقلاب اسلامی، ۲۰/۱۲/۱۳۵۸.

- روزنامه جامعه ۷ و ۸ اردیبهشت ۱۳۷۷.

- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳/۸/۱۳۷۷.

- روزنامه کیهان، ۱۵/۸/۱۳۵۸.

- روزنامه کیهان، ۱۷/۸/۱۳۵۸.

- روزنامه کیهان، ۲۳/۸/۱۳۵۸.

- روزنامه مردم سالاری، ۱۲/۸/۱۳۸۱.

- پیام جبهه ملی، شماره ۴۹.

- پیام جبهه ملی، شماره ۵۰.

- پیام جبهه ملی، شماره ۵۱.

- هفته نامه پیکار، شماره ۳۱.

- هفته نامه پیکار، شماره ۳۴.

- هفته نامه پیکار، شماره ۷۹.

- هفته نامه پیکار، شماره ۸۰.

- پیام جبهه ملی، شماره ۵۰.

- پیام جبهه ملی، شماره ۵۱.

تأثیر واقعه تسخیر لانه جاسوسی آمریکا بر جریان‌های سیاسی داخل کشور ۱۷۱

- هفته نامه کار، ارگان چریک‌های فدایی خلق ایران، شماره ۸۰.

- هفته نامه کار، ارگان چریک‌های فدایی خلق ایران، شماره ۱۰۰.

- مجاهد، ۱۳۵۸/۸/۱۴.

- مجاهد، ۱۳۵۸/۸/۱۵.

- مجاهد، ۱۳۵۸/۱۱/۶.

- مجاهد، ۱۳۵۹/۹/۱۱.

- مجاهد، ۱۳۵۹/۱۱/۷.

Archive of SID